

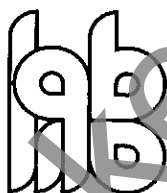
زنانِ دلاور کنایہ ہمی لکی

(جلد اول)

تالیف: عباس اسدی گوہر گوش و سلطان علی قادری
مترجم انگلیسی: فتح اللہ قادری

تایستان ۱۳۹۲

سرشناسه	: اسدی گوهر گوش، عباس ۱۳۵۱ - قادری سلطان علی ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور	: زبانزدها و کنایه‌های لکی / پژوهش و تنوین عباس اسدی گوهر گوش، سلطان علی قادری؛ مترجم انگلیسی فتح‌الله قادری.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات طهورا، ۱۳۹۲ -
مشخصات ظاهری	: ج.:
شابک	: ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱: 978-600-92924-6-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
موضوع	: ضرب‌المثل‌های لکی
موضوع	: ضرب‌المثل‌های لکی -- ترجمه شده به انگلیسی
شناسه افزوده	: قادری سلطان علی ۱۳۵۴
شناسه افزوده	: قادری، فتح‌الله، مترجم
رده بندی کنگر	: ۱۳۹۲ الف ۵۶۵ / PIR۳۲۸۶
رده بندی دیویی	: ۳۹۸ / ۹۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۱۷۳۵۰



انتشارات طهورا

نام کتاب: زبانزدها و کنایه‌های لکی

تالیف: عباس اسدی گوهر گوش و سلطان علی قادری

مترجم: فتح‌الله قادری

طراح جلد: الهام عباسی گروسی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

ناشر: انتشارات طهورا

تلفن: ۸-۶۶۴۳۵۶۶۶ - صندوق پستی: ۶۹۳-۱۴۱۸۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: گل آذین

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-92924-6-2

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۲۴-۶-۲

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	مقدمه ای بر رسم الخط زبان لکی
۱۹	حرف آ
۲۹	عئ - عئ - عأ - عأ - عؤ - عئ
۷۵	حرف ب
۱۱۳	حرف ت
۱۲۹	حرف ج
۱۳۹	حرف چ
۱۵۱	حرف خ
۱۶۹	حرف د
۱۹۹	حرف ر
۲۰۷	حرف ز
۲۱۵	حرف ژ
۲۱۹	حرف س
۲۳۵	حرف ش
۲۴۷	حرف ف
۲۵۱	حرف ق
۲۵۹	حرف ک

۲۸۳	حرف گ
۲۹۹	حرف ل
۳۰۵	حرف م
۳۳۷	حرف ن
۳۵۳	حرف ق
۳۶۵	حرف و
۳۶۷	حرف ه
۳۹۱	حرف ی

پیشگفتار

به بسم الله می خوانم خدا را
ز مشتی خاک آدم ساخت ما را
سلام و درود بی حد بر انبیاء الهی، خصوصاً بر ختم رسالت حضرت محمد مرتضی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء و ختم امامت حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام عجل الله تعالی فرجه الشریف. از بزرگترین موهبت های پروردگار که به آدمی تعلیم بخشید نعمت سخن و بیان است. از این نعمت همانند بسیاری از نعمت های الهی می توان به درستی یا نادرستی بهره برد. تأثیر کلمات چنان است که گاه آدمی را از فرش اسفل به عرش اعلی می کشاند. حضرت آدم با تلقین و تکرار کلماتی مورد عنایت و لطف پروردگار قرار گرفت. برخی عبادات در دین کلامی اند، که سر آن امروز بر آگاهان روشن و فردا بر ما نیز آشکار می گردد! گاه بیان بلیغ و فصیح و گاه سخیف و قبیح است. عبارتی وزین و موزون می تواند دلی را شاد و سرزمینی را آباد و قلبی را ویران یا خاطری را حیران کند!

از میان انواع تعبیّرات و سخن های گوناگون در افواه عموم، زبانزد یا ضرب المثل، به تعبیری مثل، نُقل و نقل محافل و مجالس است. مثل؛ گفتاری موجز و مشهور است که به قصه ای عبرت انگیز یا نکته ای حکمت آمیز اشاره دارد و از اطناب مُبیل کلام می گاهد. هرچه عرض جغرافیایی و طول تاریخ اقوام و گروه های اجتماعی که تمدن تشکیل داده اند بیشتر بوده، مع الوصف حوادث و رویدادهای بیشتری از سرگذرانده و ادبیاتشان در نتیجه، غنی تر و جذاب تر است. برای آشنایی با روش و منش، خُلق و خوی و حساسیت های ویژه رفتاری و گفتاری هر قوم باید به ادبیات و خاصه ضرب المثل ها و کنایه های مرسوم آن ها التفات کرد. از این میان، قوم کهن لک، دارای ادبیاتی بسیار غنی، با سابقه ای تمدنی حدود ۱۱ هزار تا ۴۰ هزار سال، مورد توجه و نظر ما قرار گرفته است.

نحوه ی شکل گیری این جملات کوتاه خود داستانی دارد که در وسع این مختصر و بضاعت این حقیر نمی گنجد؛ اما چون به قدر تشنگی باید چشید اشاره می کنم که زبانزدها و کنایه ها، حاصل پندهای دانایان و پیشوایان دینی، تجربه های این و آن، گفتار نامداران زمانه در مواقع حساس، نتیجه ی داستان واقعی یا افسانه ای خیالی یا تراوش شاعرانه و آهنگین از مطلبی ساده مناسب ذائقه ی پیر و

حوصله‌ی جوان بوده است. دانستن این زبانزدها گفتن و نوشتن را آسان و زندگی را زیباتر و دل‌پذیرتر و عواطف انسانی و روابط اجتماعی را غنی‌تر و ریشه‌دارتر می‌کند. ضرب‌المثل‌ها می‌توانند برای رونق بخشیدن به فضای سرد و بی‌روح روابط سطحی و شیشه‌ای شهری امروزه که تهفهی فرهنگ سرمایه‌داری جهانی است، مؤثر و مفید واقع شود.

عشق ناب و انگیزه‌های غیر مادی، کسب رضایت الهی و خدمت بی‌منت به فرهنگ بشری و رونق بخشیدن به معاش و معاد و تلطیف روابط اجتماعی و در نهایت اعتلای فرهنگ و ادب این مرز و بوم موجب شد که این اثر را در طبق اخلاص نهاده و به تشنگان فرهنگ و معرفت تقدیم نماییم. هرچند تاکنون چند مجلد از این نوع منتشر شده است؛ اما از آنجایی که هر گلی بویی دارد، بدون شک خوانندگی منصف این اثر را متمایز از بقیه خواهد یافت.

کتاب حاضر با همت دوست عزیزم آقای عباس اسدی گوهرگوش از طایفه‌ی شاهپوند با سعی صدر گردآوری شد و با یاری دوستان اهل ادب به ترجمه و توضیح آن پرداختیم. باید اعتراف کنم که هرگز ترجمه نمی‌تواند حق عبارت را آنچنان که هست ادا کند. همان‌طوری که هیچ تعبیری نمی‌تواند کلمه‌ی مقدس «الله» را به هر زبان دیگری برگرداند، ترجمه تعبیرات محلی که رویدادها، حب و بغض‌ها و احساسات ناب عشایر و روستاییان را در خویش نهفته، آسان نیست. برخی عبارات مانند «پله سنگه مازی» یا «هایی هاچی» و ... مطلقاً قابل ترجمه نیست و چاره‌ای جز این نبود که فقط به توضیح آن بپردازیم. اگر ترجمه‌ی برخی عبارات نتواسته تمامی محتوا را منتقل کند به ضعف علمی این حقیر و قوت و غنای فوق‌العاده‌ی مطلب بر می‌گردد.

در پایان لازم است از برادران بزرگوارم آقایان فتحعلی قبادی و فتحعلی شهبازی به خاطر تشویق‌ها، ارائه‌ی پیشنهادهای سازنده و بازخوانی این اثر صمیمانه تشکر کنم.

سلطان علی قادری^۱

زمستان ۱۳۹۲

^۱- email: ghaderisoltanali@yahoo.com

مقدمه

فولکلور (Folklore) یا فرهنگ عامه شامل تمام دانش‌های فرهنگی، هنری، ادبی و... است که در میان خرده فرهنگ‌های ملی قرار دارد و باید آن را شالوده و پایه‌ی فرهنگ ملی دانست که معمولاً نامکتوب مانده است. پیشینیان این میراث کهن را سماعتی و سینه به سینه به نسل‌های بعد رسانده‌اند. شوربختانه این شاخص‌های هویتی در حال از بین رفتن هستند. تبدلات فرهنگی و گسیختگی از پیشینه قومی، محلی، مدون و مکتوب نبودن و مهمتر از همه مسامحه کردن مردمان آن خرده فرهنگ‌ها بر این امر دامن زده است. این عوامل در شهرها آشکارتر است؛ اما این روند در روستاها به خاطر تعامل کمتر، کمتر نمود پیدا می‌کند. شاید بتوان گفت که روستاها و دژه‌ها خود می‌توانند منبع و مرجعی برای پژوهش و کاوش در این خرده فرهنگ‌ها باشد. این مسأله در این برهه‌ی زمانی بر عهده‌ی تحصیل‌کرده‌های رشته‌های خاص است که با کاوش و پژوهش به گردآوری محفوظات کهن سالان پرداختم و برای ضبط و طبع آن همت نمایند.

ضرب‌المثل یا زبانزد، به معنی داستان آوردن و مثل زدن است که در آن چکیده‌ای از یک داستان معروف به جهت شباهت با موضوع متکلم، آورده می‌شود که به لحاظ ساختاری به صورت جمله، شبه جمله، مصرع یا بیت می‌باشد. کُنه بعضی از زبانزده‌ها در دسترس ما نیست و در مورد سرچشمه‌ی آن‌ها باید گفت؛ بر اثر رویدادی فی‌البداهه خلق شده‌اند و یا داستانی حقیقی‌اند و یا منشاء افسانه‌ای دارند. و بعضی صرفاً نمونه‌ای است که توسط حکما، نوازگان، شعرا و یا مردم عادی بر سر زبان‌ها افتاده است. ضرب‌المثل از اطلاعاتی کلام جلوه‌گر می‌کند و چه بسا منظور گوینده را با کمترین کلمات تفهیم می‌نماید و با بار ادبی خود، به کلام حلّال می‌گردد و عمق می‌بخشد. با خوانش و بررسی این جملات، می‌توان به فرهنگ و فلسفه و پختگی دانش یک قوم پی برد. ضرب‌المثل‌ها به جهت نیاز انسان، که در جغرافیاهای گونه‌گون کم و بیش به هم مانده‌اند، پدید آمده‌اند. و در هر جایی بو و رنگ آن سامان را به خود گرفته است. پس جای شگفتی نیست اگر می‌بینیم در فرهنگ‌ها و اقوام و ملل گوناگون زبانزده‌هایی همانند و در مواردی عین هم وجود داشته باشد. پیوندهای فرهنگی و ادبی در مناطق جغرافیایی نزدیک و ساختار زبان‌ها و لهجه‌هایی که در ریشه یگانه‌اند این همانندی را به نهایت رسانده است.

استفاده از کلمات رکیک بخشی از پیکره ادبیات جهان‌یست، همانگونه که زبان، کار چشم را نمی‌تواند انجام دهد، شاید هیچ بخشی از ادبیات نتواند غنای محتوایی را که این گونه کلمات در

خود دارند، ادا کند، چون زبانزدها از بطن زندگی عامه‌ی مردم برخاسته است، بی‌پیرایگی و رک‌بودن موجب کاربردی بودن، فراگیری و ماندگاری آنها شده است، همانگونه که افراد عامی رکیک بودن بعضی از الفاظ را که در مثل‌ها آمده است، حمل بر ابتذال آن ندانسته‌اند این انتظار بر خواص دو چندان می‌رود.

مکتوبی که در پیش رو دارید، شمه‌ای از زبانزدهای زبان لکی است، به جرأت می‌توان گفت کمتر گویش یا زبانی وجود دارد که این اندازه زبانزد داشته باشد. به خاطر آنکه این زبانزدها مکتوب نشده‌اند و نسلی که این زبان را تقریباً به طور خالص در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌داده یا می‌دهند. که سالانی هستند که به فراخور موقعیت و نیاز زبانزدها را به کار می‌برند؛ اما با تأسف بسیاری از این گویش‌ها را با خود به زیر خاک برده یا می‌برند! در نتیجه در حال حاضر مقدار زیادی از این زبانزدها از میان رفته‌اند و جمع‌آوری بازمانده آنها نیز کار سخت و زمان‌بری است.

در دوره‌های پیشین تاریخ در این نواحی تمدن‌های متعددی از جمله سکاه‌ها، ایلامی‌ها، مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان زندگی کرده‌اند. اما از جزئیات تاریخی این منطقه اطلاعات زیادی در دست نیست. قبل از اعراب مناطق کوهستانی غرب را «کوهستان» و به تبع آن اعراب «جبال» نامیدند. در زمان خلفای عباسی «جبال» به دو بخش «لر بزرگ» (چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد فعلی) و «لر کوچک» (ایلام و لرستان فعلی) تقسیم شد. لر کوچک در دوره صفویه به دو بخش «پیش کوه» و «پشت کوه» تقسیم شد و آقا محمدخان قاجار ایلام را از آن جدا نمود و «لرستان» نامید. در نتیجه شاید بتوان گفت که الزاماً اسلاق نام لرستان به این منطقه جغرافیایی به معنای اختصاص داشتن تمامی پیشینه تاریخی فرهنگی آن به قوم لرنمی باشد.

هرچند بعضی اعتقاد دارند که لک و لر در اصل یک قوم بوده‌اند اما اثبات آن دشوار است که چرا یک قوم با دو زبان مختلف صحبت می‌کنند؟ در حال حاضر به خاطر اختلاط و هم‌جواری لک‌ها و لر‌ها شاخص‌های فرهنگی آنها تقریباً یکی شده است. اما با برگشت به مبدأ و خاستگاه آنها به دو قوم جداگانه با دو فرهنگ و زبان و ادبیات متفاوت خواهیم رسید. مردمان لک که در دامنه رشته کوه‌های زاگرس زندگی می‌کنند قومی هستند که هنوز درباره‌ی هویت و قومیت آنها پژوهشی ژرف انجام نگرفته است و اطلاعات کمی در دست است که این کمبود و فقدان در بسیاری از زمینه‌ها مشهود است.

این اثر گریزی است به زبانزدهای قوم لک، با مطالعه این کنایه‌ها و زبانزدها می‌توان دید فلسفی این مردم را به جهان هستی و زندگی درک نمود. از لابه‌لای این گفته‌ها می‌توان به اعتقاد و باورهای دینی آنها پی‌برد و شناختی از فرهنگ رفتاری، جامعه‌شناسی ارزش‌ها و هنجارهای آنها به دست آورد. با کنکاش در این اثر می‌توان روانشناسی، خصوصیات پسندیده‌ی انسانی و ضعف‌های ذاتی بشر را از

خاستگاه فرهنگ و تمدن بشری به دست آورد. به خلق و خوی ویژه این مردم و قدرت و ضعف اخلاقی آنها پی برد و تدقیق و نکته‌سنجی‌های آنها در فن بیان، همچنین به فهم کلام و پختگی شیوه‌ی ادبی آنها رسید. و از این طریق ریشه‌دار بودن اصالت و قدمت آنها را درک نمود. شاید قدیمی‌ترین چیزی که از این قوم باقی مانده است گفتنی‌های آنها باشد. مصداق این بیت که می‌گوید: «جهان یادگار و ما هم رفتی/ نماند چیزی به جز گفتی»، پس اگر گفتنی‌ها بماند گویی همه چیز مانده است.

زبان قوم لک که ریشه در زبان پارسی باستان و پهلوی اشکانی دارد، همان‌گونه که از نامواژه‌ی قوم شان پیداست، لکی است. می‌توان گفت که لکی دارای ساختار دستوری و آوایی خاصی است که در نوع خود قابل تأمل و تعمق است. از این رو شایسته بود برای خوانش و نگارش هرچه بهتر زبانزدها، رسم‌الخطی آورده شود که بتواند پاسخگوی نیاز آوایی آن باشد. با بررسی‌هایی که انجام پذیرفت به این نتیجه رسیدیم که رسم‌الخط متداول کنونی فارسی نمی‌تواند پاسخگوی این نیاز شود، رسم‌الخط لاتین هم به خاطر ناآشنا بودن بسیاری از خوانندگان نمی‌توانست به تنهایی به کار برده شود. از این رو به اندیشه‌ی برآورده کردن این نیاز افتادیم. نخست رسم‌الخط زبان کردی را برای این امر برگزیدیم، اما با پیشروی در نگارش زبانزدها با ناتوانی این رسم‌الخط هم پی بردیم چرا که آواهای مورد استفاده در لکی تقریباً دو برابر کردی است. از این رو به جستجوی راهی برای حل این مشکل برآمدیم، شنیدیم که همشهری پژوهشگرمان به نام علی ایتوندی رسم‌الخطی ابداع نموده که می‌تواند پاسخگوی نیاز ما شود. ایشان چند سال است که در امر پژوهش در دستور زبان لکی و لُری تلاش و کوشش دارند، و توانسته‌اند که کتابی را با نام «قواعد دستوری در گفتار مردمان لک» به نگارش درآورند که بحمدالله به زیور چاپ آراسته و در بازار موجود است. بنابراین از ایشان یاری جسته و زحمت تایپ این اثر را به خود ایشان واگذار نمودیم. برای آشنایی خوانندگان گرامر با این رسم‌الخط توضیحاتی در صفحات بعد به صورت جداگانه توسط ایشان ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که برای توانمندی هرچه بهتر برای خواندن زبانزدها، آوانویسی لاتین آنها هم توسط آقای ایتوندی انجام گرفته است.

اثر حاضر علاوه بر ترجمه‌ی فارسی به زبان انگلیسی که یک زبان جهانی است، برگردان شده است. ترجمه این اثر به زبان زنده، یک آینده‌نگری در امر ارتباطات است، که می‌تواند بستر و منبعی برای محققین رشته‌های ادبی باشد. اهل فن مستحضرنند که ترجمه کاری طاقت فرسا و خطیر است و سختی ترجمه‌ی یک زبان فولکلور به زبان انگلیسی گاهی به سبب کمبود واژگان معادل بیشتر نمود پیدا می‌کند. این امر مهم را دوست عزیزمان آقای فتح‌الله قادری، مدرس دانشگاه، با لطف

عمیم تقبل نموده و برگردان به زبان فارسی را دوست گرامی، آقای سلطان‌علی قادری به عهده گرفتند. به دلیل فقدان واژه‌های مشابه و هم معنی در ترجمه‌ی لکی به فارسی ممکن است معنی و مفهوم جمله‌ای دچار تغییر شود که می‌تواند حلاوتِ اصلی مثل را از بین ببرد با رعایت امانت‌داری در ترجمه سعی شده است که این مشکل به حداقل برسد. بدون شک اگر کمک‌های همه‌جانبه‌ی ایشان، چه در انگیزه شروع کار و چه در امر گردآوری زبانزدها و هم چنین هماهنگی و ویرایش آن ها نمی‌بود، این سببی و کوشش به سرانجام نمی‌رسید. از این رو از ایشان کمال تشکر را داریم. و از آقایان مجید عباسی، همت نقی‌زاده، محمد نظری که در گردآوری مثلها به اینجانب کمک کرده‌اند قدردانی و تشکر می‌نمایم. شایسته است یادِ کرده باشم از پدرم مرحوم شیخ عباس اسدی که بیشتر زبانزدهای اصیل را از زبان ایشان شنیده و یادداشت نموده‌ام و نیز از تمامی کسانی که ما را در این امر یاری نموده‌اند سپاسگزارم.

این کتاب جلد اول ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌های لکی می‌باشد که اگر توفیقی حاصل شود جلد دوم نیز به محضر علاقه‌مندان تقدیم خواهد شد. لذا از دوستانی که زبانزدهایی در اختیار دارند و مایل‌اند در جلد دوم از آنها استفاده شود با امتنان استقبال می‌کنیم.

عباس اسدی گوهرگوش^۱

زمستان ۱۳۹۱

^۱ - email: asadi.abbas@yahoo.com